روزنه

جنگ نرم به جای جنگ‌های سخت

● نهم آوریل جاری، روزی بود که در آن یک جنگ سایبری علیه پایگاه‌های اسراییل اعلام شد. این نبرد به دعوت تعدادی از افراد و گروه‌های مخالف اسراییل شکل گرفت هرچند زمینه‌های آن از پیش تمرین شده بود. در واقع از چندی پیش تعدادی از مشترکان اسراییلی فیس‌بوک به صورتی گسترده در معرض اینگونه حملات قرار گرفته بودند. همچنین اسامی ۱۵۰۰ نفر از مقامات و شخصیت‌های با نفوذ اسراییل که از طریق دانشگاه حیفا درز کرده بود پیش از شروع این نبرد الکترونیکی روی صفحات مجازی گذاشته شد.

لازم به ذکر است که اخیرا پس از ایجاد یک فرماندهی و اتاق عملیات سایبری، ارتش اسراییل اقدام به تاسیس گردان‌های جدیدی در این زمینه کرده بود. اسراییل خود اعتراف کرد که از طریق حمله فوق‌الذکر دچار خسارت‌هایی شده و به همین دلیل باید دایره حمایت سایبری خود را توسعه دهد. روزنامه هارتص در این‌باره به نقل از منابع امنیتی تل‌آویو نوشت که ارتش اسراییل تصمیم گرفته است سربازان خود را که در حوزه سیستم‌های نظامی دفاع در برابر حملات سایبری فعالیت می‌کنند افزایش دهد. هم‌اکنون گفته می‌شود ارتش اسراییل قصد دارد دوره‌های دفاعی تازه‌ای را برای آمادگی ده‌ها سرباز دراین‌باره برگزار کند. به نوشته این روزنامه، در سال‌های اخیر فعالیت نظامی در حوزه جنگ‌های الکترونیک چه به لحاظ دفاعی و چه تهاجمی افزایش یافته است. همچنین شعبه سازمان اطلاعات نظامی اسراییل «امان» نیز در زمینه حملات تهاجمی فعالیت‌هایش را توسعه داده است.

پاییز سال گذشته روزنامه «یدیعوت آحارونوت» نوشت واحد (۸۲۰۰) وابسته به شعبه سازمان اطلاعات نظامی اسراییل «امان» که در ارتش مستقر است تبلیغات گسترده‌ای را برای استخدام افراد نخبه در قلمرو کامپیوتر به راه انداخته است تا در این واحد از آنها استفاده شود. خبرنگار بخش نظامی این روزنامه نوشت مطمئن است که جنگ آینده دیگر تنها در قلمرو یک نبرد زمینی نخواهد بود بلکه این جنگ از پشت کامپیوترها کنترل و هدایت خواهد شد. ژنرال «اویو کوخاوی» یکی از فرماندهان این واحد می‌گوید با تایید «بینی گانتس» فرمانده کل ستاد ارتش اسراییل توانسته است بودجه‌ای اضافی را برای واحد ۸۲۰۰ تهیه کند.

اسراییل ادعا می‌کند که از هرزمان دیگری درحوزه جنگ‌های الکترونیک قوی‌تر است. از آن گذشته ارتش اسراییل واحد ویژه‌ای را برای دفاع از کامپیوترهای نهادهای حساس اسراییلی تاسیس کرده است. مرکز مطالعات امنیت ملی اسراییل وابسته به دانشگاه تل‌آویو اخیرا تحقیقی را در حوزه جنگ الکترونیک بین ایالات متحده آمریکا و ایران منتشر کرد که در آن آمده بود از دوسال گذشته ایران اقدام به گسترش برنامه‌های کامپیوتری خود به منظور پشتیبانی از برنامه‌های هسته‌ای‌اش کرده و در این رابطه یک‌میلیارددلار هزینه کرده است. به ادعای این مرکز هدف ایران از اینگونه برنامه‌ها تنها دفاع نیست بلکه حمله را نیز مد نظر دارد. این درحالی است که «لئون پانه‌تا»، وزیر دفاع سابق آمریکا در ۱۱ اکتبر گذشته برای نخستین‌بار از ویروسی به نام «شامون» نام برد که مسوول «ویرانگرترین حمله در بخش خصوصی» بوده و در اواسط ماه آگوست گذشته توانسته بود ۳۰هزار کامپیوتر وابسته به شرکت «آرامکوی« عربستان سعودی را از کار بیندازد. در این فاصله کامپیوترهای شرکت آرامکو که بزرگ‌ترین شرکت تولیدکننده نفت در جهان به‌شمار می‌رود از کار افتاد. این ویروس همچنین یک شرکت تولید گاز طبیعی را در قطر نیز هدف قرار داد.

جیمز لویس اعتراف می‌کند که آمریکا پیوسته مشغول جاسوسی الکترونیکی روسیه و چین بوده اما حملات سایبری ایران برایش غافلگیرکننده بوده است. هنگامی که ویروس «استاکس نت» در سال ۲۰۱۰ صدها مرکز سانتریفیوژ را درایران هدف قرار داد، ایران تلاش کرد خود را در سایه برای یک جنگ سایبری آماده کند. تا پیش از این از ویروس‌های اطلاعاتی برای جاسوسی یا جرایم سازمان یافته استفاده می‌شد اما ویروس «استاکس‌نت» برای نخستین‌بار توان تخریبی این ویروس‌ها را به عنوان یک سلاح موثر بدون شناخته‌شدن منبع آن نشان داد. تا حد زیادی این ویروس دستپخت آمریکا و اسراییل معرفی شد و به دنبال آن ویروس «فلم» و «گوس» فعال شدند که سال جاری در خاورمیانه شناسایی شدند.

در شرایطی که همه می‌کوشند منازعات از این پس سریع و بدون دردسر و درعین حال ویران‌کننده باشند به‌نظر می‌رسد حملات الکترونیکی یکی از بهترین گزینه‌ها و آسان‌ترین راه‌ها برای یک واکنش بدون خسارت زیاد باشد. گفته می‌شود روسیه و چین تاکنون میلیارددهادلار صرف افزایش توان سایبری خود کرده‌اند به‌گونه‌ای که آن دو را امکانپذیر سازد تا بتوانند سیستم‌های ارتباطی آمریکا را به وسیله آنها مختل کنند. در همین حال پکن، واشنگتن را متهم می‌کند که به قصد سرنگونی حکومت کمونیستی در این کشور با نوعی جنگ نرم از جدایی‌طلبان حمایت می‌کند. درمواردی، کارشناسان ابراز نگرانی می‌کنند که خصومت‌های الکترونیکی یا به تعبیری جنگ‌های نرم به روابط بین‌الملل آسیب رسانده و جنگ‌های سختی را در نقاطی از جهان شعله‌ور کند. هم‌اکنون منطقه خاورمیانه نیز از این مساله گریزی نداشته و مانند بسیاری از نقاط دیگر جهان می‌رود که عرصه رقابت‌ها و نبردهای الکترونیکی شود. طبیعی است که شرکت‌های نفت و گاز یکی از مهم‌ترین هدف‌ها در این رابطه باشند. در این میان، رژیمی چون اسراییل احساس می‌کند ممکن است در معرض حملات سایبری بیشتری قرار گیرد. بیهوده نیست که بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسراییل می‌گوید: «تلاش‌های گسترده‌ای درجهت به راه انداختن حملات الکترونیکی علیه سیستم‌های اطلاعاتی و نظامی اسراییل در جریان بوده و روبه افزایش است.»

منبع:الحیات

حکایت جوانانی که سایت‌های اسراییلی را هک کردند

ترجمه: محمدعلی عسگری

عکس: Reuters

جوانی که خود را «اسماعیل – ۵۴ساله » و اهل الجزایر معرفی می‌کند، می‌گوید حمله سایبری اخیر به اسراییل با مشارکت هزاران هکر عرب و مسلمان مخالف اسراییل صورت گرفت. به گفته وی این حمله از سال ۲۰۱۲ شروع شد و هدفش حذف اسراییل از فضای مجازی بود و... تا رسیدن به این هدف ادامه خواهد یافت. وی یادآور می‌شود که پرونده‌های به‌دست‌آمده در این حملات برای تحقیق بیشتر به مقامات دولت حماس در غزه ارسال شده است.

اسماعیل، درباره نحوه انجام این عملیات می‌گوید: من یکی از نخستین کسانی بودم که این کار را شروع کردم. وی به نواری ویدیویی اشاره می‌کند که در تاریخ ۱۶ نوامبر سال ۲۰۱۲ روی یوتیوب گذاشته است. در این نوار از «آمادگی برای یک حمله سایبری به اسراییل» سخن به میان آمده است و اشاره می‌کند: «ما این فکر را ابتدا با یک هکر سعودی در میان گذاشتیم و بعد از طریق ارتباطات اجتماعی در شبکه اینترنت دیگران هم به ما پیوستند.»

درباره دلایل این حمله اسماعیل می‌گوید: «من تنها این حمله را انجام ندادم. حتی ما یک گروه کوچک نبودیم. بلکه در این حمله سایبری هزاران هکر در کشورهای اسلامی و عربی شرکت کردند. یعنی کسانی که با موجودیت رژیم اسراییل مخالف هستند. این حمله در واقع در واکنش به تجاوزات اسراییل به برادران فلسطینی انجام شد و می‌خواستیم این موارد را به همه دنیا نشان دهیم.» وی می‌افزاید: «در این حمله همه کسانی که با ستمگری و استبداد رژیم اسراییل مخالف بودند شرکت داشتند. ما تلاش کردیم اسراییل را از شبکه اینترنت محو کنیم.

در مورد تعداد هکرها ی شرکت‌کننده در این جنگ الکترونیکی، اسماعیل می‌گوید: «تعدادشان مشخص نیست. اما می‌توانم بگویم هزاران جوان در این کار شرکت داشتند که همه آنها یا بخش عمده‌ای از آنها را برنامه‌نویسان عرب تشکیل می‌دادند.»

در رابطه با نحوه سازماندهی و هماهنگی این افراد اسماعیل می‌گوید: «سازمان ترتیب‌دهنده این حمله سایبری از چند ماه پیش دست به کارهای تبلیغاتی گسترده‌ای زد. حتی برای برخی دعوتنامه‌های ویژه‌ای فرستاده شد و قرار بر این شد که حمله سایبری گسترده‌ای علیه سایت‌های رسمی اسراییل راه انداخته و تا می‌توانند به پرونده‌های سری دست یابند.»

این هکر الجزایری می‌گوید: «هیچ فرمانده یا راهنمایی وجود نداشت. «آن انیموس» نشان می‌دهد که معنایش اشخاص مجهول‌الهویه و ناشناس است. کافی است فکری پیشنهاد شود و از دیگران بخواهی به تو کمک کنند. هرکسی براساس تجربه و توانمندی خاص خود دراین حمله شرکت کرد.»

اسماعیل توضیح می‌دهد «این گروه یعنی -آن انیموس- در آمریکا تاسیس شد و هرمجموعه‌ای از هکرها خودشان را به آن وصل کردند. از آنجا که اکثر شرکت‌کنندگان اعراب مسلمان بودند به آنها هکرهای عرب گفته می‌شد. درواقع شرکت‌کنندگان دراین حمله سایبری مجموعه‌ای از آن انیموس‌ها – افراد ناشناس – بودند.»

به گفته اسماعیل این جنگ از مدت‌ها پیش شروع شده بود اما اخیرا به اجرا درآمد. در روز هفتم ماه گذشته بود که حمله‌ای سراسری علیه سایت‌های اسراییلی شروع شد. اسماعیل می‌گوید من قبلا چند بار به سایت‌های وابسته به ارتش اسراییل حمله کردم و این اولین بار نیست که دست به چنین کاری می‌زنم. وی می‌افزاید که ایمیل هرکسی را باز نمی‌کند بلکه باید برای آن دلیل موجهی وجود داشته باشد.

اسماعیل به همراه مجموعه این هکرها شعار «ما برای این نفوذ نمی‌کنیم که بگوییم حرفه‌ای هستیم بلکه نشانی تاریخی بر کسی می‌گذاریم که به او حمله کرده‌ایم» را برای خود انتخاب کردند.

وی درباره ارزیابی نتایج حمله سایبری به سایت‌های اسراییلی می‌گوید: این حمله از مدت‌ها پیش شروع شده ولی هنوز تمام نشده است. ما تصمیم داریم که این کار را با حملات سایبری دیگر ادامه دهیم. تا جایی که به هدف‌مان برسیم و آن محو رژیم اسراییل از فضای مجازی است.

درمورد غنایم به دست آمده از این جنگ الکترونیکی اسماعیل می‌گوید: «دست یافتن به پرونده‌های سری از طریق نفوذ به شبکه‌ها کار سختی است و از طریق استفاده از حیله‌های متعدد الکترونیکی مثل ارسال برنامه‌ریزی شده اطلاعات از یک اسراییلی به نام همسرش و... صورت می‌گیرد.»

وی دراین‌باره که برخی می‌گویند این حمله حساب‌شده و از سوی اسراییل بوده است تا نشان دهد درمعرض تهدیدهای اعراب قرار دارد و به این وسیله نظر جامعه جهانی را به خودش جلب کند، می‌گوید: این درست نیست. حملاتی که ما کردیم درواقع یک چهارم جنایاتی نیست که هرروزه اسراییل در مورد ملت فلسطین مرتکب می‌شود.

اسماعیل می‌گوید عملیات آنها تا حد زیادی تاثیرگرفته از فیلم «جان سخت ۴» بود و می‌افزاید اگر در آن فیلم عملیات تخیلی بود ما این عملیات را در واقعیت پیاده کردیم؛ یعنی از طریق عملیات عزرایل علیه اسراییل. درباره نحوه تکوین علمی این حمله سایبری و اینکه از کجا تجارب الکترونیکی به دست آورده‌اند، اسماعیل می‌گوید: «ما از طریق اینترنت درس‌های برنامه‌ریزی را یاد گرفتیم کما اینکه درس‌های ریاضی مربوط به امنیت سیستم‌ها را نیز فراگرفتیم. همچنین دروس کامپیوتری خوارزمی‌ها را که مربوط به برنامه نویسی است یاد گرفته بودیم اسماعیل درعین حال اشاره می‌کند: «برنامه‌های خوارزمی‌ها برتری اعراب را بر سایر هکرها نشان داد.» درمورد غنایم به دست آمده از این جنگ الکترونیکی اسماعیل می‌گوید: «دست یافتن به پرونده‌های سری از طریق نفوذ به شبکه‌ها کار سختی است و از طریق استفاده از حیله‌های متعدد الکترونیکی مثل ارسال برنامه‌ریزی شده اطلاعات از یک اسراییلی به نام همسرش و... صورت می‌گیرد.» وی می‌افزاید که از این طریق توانسته است نام افراد زیادی از نیروهای ارتش اسراییل یا آدرس ایمیل‌ها و صفحات آنها را در فیس‌بوک یا شماره حساب‌های بازرگانان اسراییلی به دست آورد و بیش از ۵۰۰ حساب بانکی را شناسایی کرده و نزدیک به یک‌هزار سند را به‌ویژه دررابطه با مقامات اسراییلی بدزدند. برخی از این پرونده‌ها برای استفاده به غزه فرستاده شده است تا دستگاه‌های امنیتی حماس از آنها استفاده کنند.

یک هکر دیگر که نمی‌خواهد نامش را بگوید و دراین حمله سایبری شرکت داشته است، می‌افزاید: «ما به بیش از ۲۰هزار صفحه شخصی در فیس‌بوک و پنج‌هزار صفحه در توییتر سرزدیم. همچنین ۳۰هزار حساب بانکی را دربانک‌های اسراییل رمزگشایی کردیم کما اینکه به سایت‌هایی در حوزه بورس و موساد و آموزش‌وپرورش و امنیت و اطلاعات نفوذ کردیم و بیش از ۴۰۰هزار سایت الکترونیکی دیگر را رمزگشایی کردیم.» به گفته او دراین حمله سایبری جوانانی از سوریه، مصر، لبنان، فلسطین، اردن، سودان، الجزایر، اندونزی، مراکش، ترکیه، تونس و عربستان سعودی شرکت داشتند به نحوی که تعداد شرکت‌کنندگان به بیش از ۱۰هزار مهاجم رسید.

اسماعیل می‌گوید در گذشته نیز دست به چنین کارهایی می‌زده و سایت‌های خارجی را هک می‌کرده که مهم‌ترین آنها کانال فرانسوی «پاری‌تی‌وی» بوده است. به گفته اسماعیل، این اقدام در واکنش به توهین وزیر دفاع سابق فرانسه به مردم الجزایر درآستانه سالگرد انقلاب این کشوربود زیرا وقتی الجزایری‌ها گفته بودند فرانسه باید به خاطر جرایم دوران استعمار از این کشور عذرخواهی کند حرف‌های توهین‌آمیزی به آنها زده بود. یکی دیگر از هک‌های اسماعیل به گفته خودش هک کردن ایمیل شخصی مارک زاکربرگ بنیانگذار و مالک شبکه فیس‌بوک بوده است که از طریق رمزگشایی ایمیل شخصی خواهرش صورت گرفت. درسال ۲۰۱۲ نیز اسماعیل سایت رسمی نیروی هوایی آمریکا را هک کرد و سرور آنجا را از دور خارج ساخت. این هک دوساعت کامل طول کشید. اما آمریکایی‌ها به کمک گروه‌های امنیتی و امدادی مراقب این سرور توانستند آن را از نفوذپذیری نجات دهند.

منبع: شرق الاوسط

سناریوی ایجاد رعب، استراتژی تهاجمی، استراتژی دفاعی

اسراییل و جنگ الکترونیکی

با وجود سروصدای زیادی که حمله سایبری اخیر تعدادی از کاربران عرب به پایگاه‌های دولتی و حکومتی اسراییل به پا کرد، باید گفت این‌گونه حملات با یک جنگ الکترونیکی گسترده که از سال‌ها پیش اسراییل خود را برای مقابله با آن آماده کرده و شبانه‌روز نهادهای استراتژیک مسوول بررسی احتمال چنین حمله‌ای روی آن کار می‌کنند فاصله بسیار دارد. آن چیزی که اسراییل وحشتش را داشته و دارد، یک حمله گسترده الکترونیکی مستقیم به منابع استراتژیک و زیرساخت‌هایی نظیر برق، آب، ارتباطات، بانک‌ها و شبکه‌های فرماندهی ارتش و سیستم حکومتی و ماهواره‌ها و نیز بخش‌های مربوط به فناوری پیشرفته هوایی است.

سناریوی رعب

اسراییل به این فرضیه باور دارد که هرچه بیشتر از فناوری‌های پیشرفته در زمینه زیرساخت‌ها و نهادهای نظامی و غیرنظامی حساس استفاده کند، درواقع فرصت بیشتری را برای آسیب‌پذیری آنها در برابر حملات الکترونیکی «دشمن» فراهم آورده است و وقوع چنین حملاتی نه تنها به این زیرساخت‌ها آسیب می‌رساند و زندگی را در سراسر اسراییل فلج خواهد کرد، بلکه می‌تواند افراد نظامی یا غیرنظامی زیادی را به کشتن دهد.

از این رو تاکنون چند بار مقامات اسراییلی هشدار داده‌اند که حتی اگر کسی بتواند برفرض از روی دشمنی به واحدهای کنترل سیستم عبور و مرور شهری دست یابد؛ قادر خواهد بود در طول چند دقیقه صدها نفر را به کشتن دهد، زیرا به راحتی می‌تواند به جای چراغ قرمز از سبز استفاده کرده و با مختل کردن مسیرهای عبور و مرور و برعکس کردن برنامه‌های آنها، موجب تصادفات متعدد شده و ده‌ها نفر را قربانی آنها کند. این نمونه در مقابل نفوذ به مراکز با حساسیت بیشتر می‌تواند میزان خطر ناشی از چنین حملاتی را نشان دهد. برای مثال اسراییل نگران آن است که دشمن به کامپیوترهای فرودگاه بن گورین نفوذ کند و موجب تصادف بین هواپیماهای درحال رفت یا برگشت شود، یا کاری کند که آنها به موانع طبیعی یا غیرطبیعی برخورد کنند. به همین شیوه می‌توان به راحتی به شبکه آب و برق و خدمات ارتباطی لطمه زد، یا به تاسیسات نظامی مختلف و به ویژه مراکز صنایع نظامی حمله کرد.

اسراییل همچنین نگران حملات الکترونیکی «فاجعه‌بار»ی است که کامپیوترهای بخش صنایع پتروشیمی این رژیم را هدف قرار داده و منجر به حوادثی غیرمترقبه در این بخش شود زیرا هرگونه پخش گازهای شیمیایی به جز عوارض زیست‌محیطی می‌تواند تعداد زیادی کشته در پی داشته باشد.

استراتژی تهاجمی

اسراییل می‌داند که سناریوی رعب درصورتی قابل اجرا خواهد بود که کسانی دارای امکانات نیرومندی در حوزه جنگ الکترونیک باشند و بخواهند از روی دشمنی نهادهای اسراییلی را هدف قرار دهند. به نظر اسراییل چنین توانی تنها در بین دولت‌های اندکی در خاورمیانه به چشم می‌خورد.

از این رو اقدام به هک کردن برخی سایت‌های اسراییلی توسط تعدادی از جوانان عرب درحدی نیست که بتواند به بخش‌های کنترل کامپیوترهای مرتبط با زیرساخت‌ها یا سیستم‌های نظامی گوناگون این رژیم نفوذ کند زیرا اساسا هکرها قادر به نفوذ در سیستم‌های دفاعی مرتبط با این سیستم‌ها نیستند.

اسراییل در آستانه حمله هوایی خود به تاسیسات اتمی سوریه در نزدیکی «دیرالزور» واقع در شمال شرق سوریه که سپتامبر ۲۰۰۶ صورت گرفت، توانست با استفاده از شیوه‌های الکترونیکی به برخی از دستگاه‌های کنترل‌کننده این مجتمع نفوذ کرده و آنها را از کار بیندازد تا سازمان دفاع هوایی سوریه را مختل کرده و در ادامه هواپیماهای اسراییلی موفق به انجام ماموریت خود شوند.

از دوسال پیش اسراییل خود را برای امکان وقوع یک جنگ الکترونیکی آماده کرده است. تعدادی از عناصر سازمان اطلاعات اسراییل موظف شده‌اند با هویت‌های جعلی کسانی را در شبکه ارتباطات اجتماعی در فضای سایبر به استخدام خود درآورند. اطلاعات موجود نشان می‌دهد که برخی دستگاه‌های امنیتی فلسطین کاربرانی را شناسایی کرده‌اند که به همکاری با اسراییل اعتراف داشتند. این اطلاعات نشان می‌دهد که دراین راه افرادی به صورت ناآگاهانه به چنگ مزدوران اسراییلی افتاده و به گمان اینکه ماموران سازمان‌های اطلاعاتی فلسطینی هستند، از طریق شبکه‌های اجتماعی با آنها همکاری کرده‌اند.

طبیعی است که جنگ الکترونیکی یکی از ابزارهای اصلی مورد استفاده اسراییل برای تحقق اهدافش باشد. زیرا امکان آن را فراهم می‌کند که بدون ورود مستقیم به یک درگیری اهدافی را مورد حمله قرار دهند.

به این ترتیب جنگ الکترونیکی به بخشی جدایی‌ناپذیر از استراتژی تهاجمی اسراییل تبدیل شد. از این رو تل آویو در چارچوب استراتژی تهاجمی خود می‌کوشد از فضای سایبری نهایت استفاده را ببرد. ارتش اسراییل درسال ۲۰۰۹ از یک طرح مهم رونمایی کرد که طی آن فضای الکترونیکی را بخشی از فضای استراتژیک عملیاتی خود معرفی می‌کرد. براین اساس ارتش اسراییل یک «مرکز جنگ الکترونیکی» زیر نظر فرماندهی ستاد ارتش تاسیس کرد که ماموریت اصلی آن هماهنگی و برنامه‌ریزی جنگ در فضای الکترونیکی است. این امر درواقع کپی‌برداری از ایالات متحده بود که یک مرکز جنگ الکترونیکی را زیر نظر وزارت دفاع خود تاسیس کرد.

استراتژی دفاعی

اسراییل می‌داند همه این امکاناتی را که صرف تدارک جنگ‌های الکترونیکی می‌کند، باید در راه استراتژی دفاعی نیز هزینه کند، زیرا ممکن است روزی از روزها درمعرض چنین تهاجمی قرار گیرد. از این رو در ۱۸ ماه می سال ۲۰۱۱ بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسراییل اعلام کرد یک «مرکز ملی مقابله با جنگ‌های الکترونیکی» را تاسیس کرده است. هدف این مرکز بالابردن آمادگی‌های دفاعی به منظور حمایت و پشتیبانی از زیرساخت‌ها و موسسات غیرنظامی و نظامی مرتبط با آنهاست. براساس آنچه اعلام شد، هدف دیگر این مرکز توسعه توان دفاعی در مقابله با هرگونه جنگ الکترونیکی از سوی سازمان‌ها یا دولت‌های متخاصم عنوان شده است.

این مرکز مسوولیت دارد تمام نهادهای نظامی و غیرنظامی را دراین حوزه دعوت به همکاری کرده و با کمک نهادهای رسمی فعال در زمینه حمایت‌های اطلاعاتی وابسته به سازمان اطلاعات داخلی اسراییل (شاباک) و شرکت « تهیلا» که برای وزارتخانه‌ها و نهادهای دولتی کارپردازی می‌کند، هماهنگی به وجود آورد.

کسانی که در این مرکز کار می‌کنند، می‌دانند مهم‌ترین چالش آنها تاسیس یک سیستم دفاع الکترونیکی پیشرفته است و تدارک آن نیازمند هماهنگی و همکاری کامل بین نهادهای مدنی و نظامی خواهد بود و این برخلاف یک جنگ سنتی است که کافی بود نهادهای امنیتی آن را اداره و کنترل کند.

این هماهنگی و همکاری از آن جهت اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که در فضای سایبر نمی‌توان بین زیرساخت‌های نظامی و غیرنظامی تمایزی قایل شد.

درست است که دریک جنگ الکترونیکی علیه طرف‌های خارجی این نهادهای امنیتی هستند که نقش اصلی را بازی می‌کنند، اما اسراییل به خوبی می‌داند که برای بهبود توان دفاعی خود نیازمند مشارکت بخش خصوصی است؛ به خصوص شرکت‌های فناوری پیشرفته که به دلیل داشتن توان و تخصص لازم در این حوزه می‌توانند بسیار تاثیرگذار و تعیین‌کننده باشند.

توجه به یک جنگ الکترونیکی احتمالی تا آنجا برای اسراییل اهمیت دارد که از نهادهای امنیتی و حتی کمیته‌های خارجی و امنیتی پارلمان (کنیست) خواسته است درباره تفکر امنیتی قدیمی اسراییل که در ابتدای دهه ۵۰ شکل گرفت، بازنگری کرده و آن را مطابق با فضای سایبر از نو تعریف کنند.

از آنجا که هرگونه برتری در حوزه جنگ الکترونیکی به شکلی اساسی مبتنی بر توان و به کارگیری منابع خودی و به‌خصوص انسانی است، هر کشور عرب یا اسلامی که قصد مبارزه با اسراییل در این حوزه کند، باید در زمینه تربیت کادرهای انسانی کارآمد و مناسب با این نبرد سرمایه‌گذاری کند. از این رو باید پیش از آن فضای علمی و آموزشی لازم را برای تربیت جوانانی در این حوزه آماده کند. روشن است که تنها نظام‌های دموکراتیک هستند که می‌کوشند تا به منابع انسانی و غیرانسانی داخل کشورشان توجه کرده و آنها را رشد و پرورش دهند.

منبع:الجزیره

دریچه

آیا اسراییل و ترکیه آشتی کرده‌اند؟

رابطه‌ای که قطع نشده بود

● پیش از سفر باراک اوباما به منطقه که گفته می‌شد یک سفر سیاحتی است اما کاملا عکس آن اثبات شد، رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر ترکیه در خلال دیدار خود از کپنهاک پایتخت دانمارک دوباره همان حرف‌های همیشگی‌اش را درباره اسراییل تکرار می‌کرد و این رژیم را متهم به تروریسم می‌ساخت. اما اوباما در سفر خود موفق شد با فشاری که بر ترکیه و اسراییل به‌طور همزمان آورد، بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسراییل را برآن دارد که از طریق تلفن با رجب طیب اردوغان نخست‌وزیر ترکیه تماس گرفته و از او به دلیل حادثه کشتی مرمره عذرخواهی کند و درضمن قول دهد که به خانواده قربانیان این حادثه غرامت خواهد پرداخت.

در اینجا این سوال مطرح می‌شود: آیا یک دوران سپری و دوران تازه‌ای در روابط ترکیه و اسراییل شروع شده است و درمرحله آتی ما شاهد پیوندهای مستحکم‌تری بین آنکارا و تل‌آویو خواهیم بود؟ اما پیش از همه اینها باید پرسید آیا اساسا روابط بین ترکیه و اسراییل در این مدت قطع شده بود؟

در دورانی تیرگی روابط اگر سری به آنکارا می‌زدید متوجه می‌شدید که سفارت اسراییل در همان محله غازی عثمان قرار دارد. یعنی جایی که سفارتخانه چند کشور عربی و خارجی دیگر نیز به چشم می‌خورد.

به‌نظر می‌رسد سفارت اسراییل تنها افتاده باشد، کسی به آنجا رفت‌وآمد نمی‌کند و در اطراف آن نیز کسی را پیدا نمی‌کنی. با این حال تدابیر امنیتی شدیدی برای جلوگیری از حملات احتمالی گروه‌های ناراضی و خشمگین اتخاذ شده بود هرچند که چنین حملاتی به ندرت صورت می‌گرفت. به جز این هیچ‌گونه حضور نیروهای امنیتی فوق‌العاده‌ای به چشم نمی‌خورد.

پس از تیره شدن روابط اسراییل و ترکیه و ترک کارمندان اصلی فقط یک منشی درجه سوم باقی ماند، اما اسراییل و ترکیه همچنان روابط اقتصادی و نظامی خود را حفظ کردند. اخیرا دفتر استانبول گزارشی را منتشر کرد که نشان می‌داد تبادل تجاری بین اسراییل و ترکیه در این فاصله نه تنها کم نشده بلکه افزایش یافته است.

به نحوی که درمقایسه باید گفت واردات ترکیه از اسراییل درسال ۲۰۱۰ معادل ۱/۳۱میلیارددلار بود و درسال ۲۰۱۰ این میزان به ۱/۸۵میلیارددلار افزایش یافت.

تداوم این روابط مورد رضایت واشنگتن نیز بود. از این‌رو آمریکا با درخواست ترکیه برای فروش سلاح به میزان ۱۴۰میلیارددلار موافقت کرد.

از آن گذشته ایستادگی در برابر بشار اسد نشان داد که هر دو کشور اسراییل و ترکیه در یک صف ایستاده‌اند و همین مساله اوباما را برآن داشت تا نتانیاهو را تشویق کند که اختلافاتش را با اردوغان پایان دهد.

این درحالی بود که پیش‌تر ترکیه پذیرفته بود که یک سیستم دفاع موشکی را در منطقه کوراجیک واقع در جنوب کشور مستقر کند.

همچنین ترکیه بعدها پذیرفت که در همسایگی با سوریه اجازه دهد ناتو موشک‌های پاتریوت خود را نصب کند. استقرار آن سیستم دفاع موشکی و نصب این موشک‌ها به‌طور همزمان هدفش مهار توانمندی ایران و سوریه بود و در ضمن دولت به گفته برخی از منتقدان داخلی دولت برآمده از حزب عدالت و توسعه را شریکی برای اسراییل معرفی می‌کرد.

این منتقدان از مدت‌ها پیش گفته و نوشته بودند که دولت اردوغان به ابزاری در مسیر اجرای برنامه‌های ایالات متحده آمریکا در خاورمیانه تبدیل شده است. حتی برخی گروه‌های ترکیه حمایت اردوغان از مخالفان در سوریه را نوعی حمایت از تروریسم‌دانستند.

در یک نمونه حسن گانبولات رییس «مرکز مطالعات استراتژیک خاورمیانه» از این هم فراتر رفته و گفت: یکی از هدف‌های اصلی ترکیه تضعیف تمام نیروهای منطقه‌ای به‌خصوص آنهایی است که به نوعی تهدیدی برای اسراییل به شمار می‌روند.

هرچند نمی‌شود این ادعاها را اثبات کرد یا بدون هیچ دلیلی آنها را پذیرفت اما باید گفت وقتی حوادثی به صورت متوالی اتفاق می‌افتد دیگر نمی‌توان آنها را تصادفی دانست.

پس از عذرخواهی بنیامین نتانیاهو این جان کری وزیر خارجه آمریکا بود که دو هفته بعد به ترکیه آمد و نخستین سفر خود در مقام وزارت خارجه آمریکا به این کشور را انجام داد. این دیدار درحالی صورت می‌گرفت که قرار است به زودی رجب طیب اردوغان نیز به آمریکا سفر کرده و با باراک اوباما دیدار داشته باشد.

کاخ سفید با اعلام رسمی این دیدار گفت مسایل مهم مطرح در آن، بحران سوریه و مسایل خاورمیانه خواهد بود.

منبع:الاهرام